

وجوب احتیاط از منظر اخباریون

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۲۸)

عزیزه نادران کلوانق^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

سید مصطفی حسینی

دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه پیام نور مرکز خرم آباد

چکیده

احتیاط واجب به معنای لزوم احتیاط در مسئله‌ای است که مجتهد در آن فتوایی ندارد. فقیهان در مواردی که بر اساس ادله شرعی، به حکم فقهی دست پیدا نمی‌کنند و احتیاط را در آن موارد لازم می‌دانند، از عبارت «احتیاط واجب» استفاده می‌کنند. در احتیاط واجب، بر مکلف واجب است که یا به مضمون همان احتیاط عمل کند یا در مسئله مورد نظر، از مرجع تقلید دیگری تقلید کند که پس از مرجع تقلید خودش، به لحاظ علمی از دیگر مراجع بالاتر است. اصل احتیاط انجام همه احتمالات است تا یقین به انجام واجب و یا ترک حرام شود. اصل احتیاط یکی از اصول عملیه است و هنگام شک در حکم شرعی (یعنی واجب، حرام، مکروه، مستحب و مباح) در خصوص یک موضوع مانند شک در حکم شرعی شراب (شبهه حکمیه) و همچنین شک در تطبیق حکم یک موضوع با مصداق خارجی آن (شبهه موضوعیه) به کار می‌رود. اگر فقیه، آیه یا روایتی معتبر در یک مسئله فقهی نیابد، می‌تواند با در نظر گرفتن شروطی، به قاعده احتیاط استدلال نماید. مقلد نیز می‌تواند در موارد شک در موضوعات خارجی این قاعده را جاری کند. در احتیاط واجب، بر مکلف واجب است که یا به مضمون

^۱ نویسنده مسئول

احتیاط عمل نماید یا در مسئله مورد نظر، از مرجع تقلید دیگری تقلید کند که پس از مرجع تقلید خودش، به لحاظ علمی از دیگر مراجع بالاتر است. رجوع کردن مکلف به حکم مرجع تقلید دیگر نیز به این دلیل است که مرجع تقلید وی، در این زمینه فتوایی ندارد. همچنین تحقیق حاضر در صدد بررسی وجوب احتیاط از منظر اخباریون است. با توجه به وجود اندیشه اخباری، می‌توان یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز در ترویج روحیه احتیاط‌گرایی را وجود این اندیشه دانست. توجه ویژه اخباری‌ها به روایات بحث احتیاط، بسط دامنه احتیاط به شک در تکلیف در شبهات تحریمیه، بر خلاف نظر اصولی‌های پیش و پس از اخباری‌ها و نیز توصیه‌های مکرر آنان به توقف و احتیاط در فتوا، می‌تواند این ادعا را تقویت کند. به عبارت دیگر، با بررسی آثار احتیاط در فقه دوره‌های پیش از اخباری‌ها و پس از افول آنان، به وجود ریشه و دلیلی در ورای این آثار پی می‌بریم که در حقیقت انعکاس آن دلیل، باعث بروز تفاوت‌هایی در فضای حاکم بر فقه دو دوره مذکور شده است. به یقین، در صورت وجود تمایز در این دو دوره، نمی‌توان نقش اخباری‌ها را که واسطه میان این دو دوره بوده‌اند، به عنوان یک عامل معرفتی، دست کم در حد زمینه‌سازی، در رویکرد به احتیاط نادیده گرفت یا حتی ناچیز دانست بلکه باید به آن توجه ویژه داشت.

واژگان کلیدی: اخباریون، احتیاط، اندیشه اخباری، فقه امامیه

بخش اول: بررسی عنصر احتیاط و ویژگی‌های آن در اندیشه اخباری

برای روشن‌تر شدن ابعاد بحث احتیاط، ابتدا بجا است معنای لغوی آن بررسی شود و سپس معنای اصطلاحی و اقسام آن در اندیشه اخباری، تبیین گردد.

بند اول: معنای لغوی احتیاط

احتیاط از باب افتعال از ماده «حوط» است. در کتاب های لغت، در یک جمع بندی کلی، حوط به معنای «محافظة و نگهداری» (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۱۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۹۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۲۵؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۴۶۱)، «در برداشتن» (ابن فارس، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۲۷)، «دفع مضرات و دستیابی به مصالح» (ابن منظور، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۵۷)، و «انتخاب مطمئن ترین راه» (ابن منظور، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۶۷) آمده است. البته شاید بتوان اصل معنا را همان در برداشتن دانست؛ لازمه این که چیزی، چیز دیگر را در بر گیرد، حفظ آن شیء احاطه شده است و لازمه حفظ، دستیابی به منافع و دفع مضرات است. پس با این بیان، سه معنای اصلی یادشده، به یک معنا برمی گردد. البته معنای «الأخذ بالأوثق» معنای دیگری است که به نظر می رسد در کتاب های متأخر لغوی مانند «لسان العرب» و بعد از آن آمده است. با انتخاب مطمئن ترین راه، می توان به نهایت محافظت و نگهداری دست یافت. پس می توان گفت این معنا با یک واسطه، به معنای اصلی این ماده مرتبط می شود. در یک جمع بندی، با توجه به این که یکی از دلالت های باب افتعال، مبالغه است، می توان احتیاط را در لغت «احاطه بر همه جوانب و نهایت محافظت» معنا نمود.

بند دوم: معنای اصطلاحی احتیاط

نزد فقها «احتیاط» به سه معنای کلی به کار رفته است:

۱- **دلیل فقهی**؛ در کتاب های فقهی پاره ای از احتیاطها به روایات خاص، مستند هستند که در برخی ابواب فقهی جریان دارد. البته در مصادیق این مسأله اختلافاتی وجود دارد، ولی در بسیاری از کتابها احتیاط در دماء و فروج به دلیل وجود روایات دال بر لزوم احتیاط در این دو مسأله، پذیرفته شده است. در این موارد در

^۱ برای روایات احتیاط در بحث فروج ر. ک: عاملی، شیخ حر: وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۵۸ و ۲۵۹، ح ۲۵۵۷۲ و ۲۵۵۷۳؛ و ج ۲۷، ص ۱۵۹، ح ۳۳۴۷۸؛ و برای روایات احتیاط در بحث دماء ر. ک: همان، ج ۲۷، ص ۲۳۵.

حالت شك، استنباط برخی فقها وجوب احتیاط به صورت مطلق است؛ چه مقرون به علم اجمالی باشد و چه غیر مقرون، و چه شبهه وجوبیه باشد و چه تحریمیه.^۲

۲- **دلیل اجتهادی؛** احتیاط در این معنا، یک اصل عملی است که وظیفه عملی مکلف را هنگام شك تعیین می‌کند و باعث می‌شود مکلف با واقع احتمالی، مخالفت نکند و در نتیجه، از عقاب ایمن باشد. البته این اصل با عنوان «اصالة الاشتغال» نیز بسیار به کار می‌رود. این معنای احتیاط، در بسیاری از متون فقهی وجود دارد.^۳ در مجموع، آنچه از کتاب‌های فقهی به دست می‌آید، این است که احتیاط به معنای اصل عملی، دارای ویژگی‌ها و مختصات است که با آن‌ها شناخته می‌شود. این ویژگی‌ها را می‌توان به این شکل برشمرد: وجود تکلیف فعلی احتمالی؛ شك در احراز تکلیف فعلی احتمالی؛ عدم وجود دلیل قطعی بر خلاف احتیاط؛ کاشفیت احتیاط از انجام وظیفه مکلف در برابر مولا و شارع و به عبارت دیگر، قطع به جلب مصلحت و ثواب یا دفع مفسده و عقاب با انجام احتیاط.

۳- **احتیاط در عمل فقیه؛** گاهی فقیه در بیان نتیجه نهایی استنباط، احتیاط می‌نماید. این نوع احتیاط، در نظر و استدلال نیست؛ بلکه در مقام عمل و فتواست. در واقع فقیه در این حالت، از دادن فتوا پرهیز می‌کند. این نوع احتیاط، به معنای لغوی آن

۱. ک: عاملی کرکی: جامع المقاصد، ج ۱۳، ص ۱۲؛ اردبیلی: مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱، ص ۱۴۴؛ بهبهانی: الرسائل الأصولیه، ص ۴۱۹ و الرسائل الفقهیه، ص ۱۸۰؛ آخوند خراسانی: کفایة الأصول، ص ۳۲۲ و درر الفوائد، ص ۱۳۲؛ بجنوردی، حسن: القواعد الفقهیه، ج ۳، ص ۳۶؛ و نائینی: أجود التقريرات، ج ۲، ص ۸۱ و ۱۷۱.

۲. ک: بجنوردی: پیشین؛ اراکی، محمدعلی: أصول الفقه، ج ۱، ص ۶۵۵؛ و مکارم شیرازی: أنوار الأصول، مقرر احمد قدسی، ج ۳، ص ۲۰۳.

۳. ک: انصاری، شیخ مرتضی: فراند الأصول، ج ۲، ص ۵۰۶؛ عراقی، ضیاء الدین: نهاية الأفكار، ج ۳، ص ۲۷۴؛ اصفهانی، محمدحسین: الفصول الغرویة، ص ۳۵۲؛ خویی، سید ابوالقاسم: التنقیح، ج ۳، ص ۱۷۱؛ مشکینی، ابوالحسن: حواشی المشکینی علی الکفایة، ج ۴، ص ۱۴۲؛ مجاهد، محمد: مفاتیح الأصول، ص ۳۴۷؛ و صدر، محمدباقر: مباحث الأصول، مقرر سید کاظم حائری، ج ۳، ص ۴۸۸.

بسیار نزدیک است و در حقیقت فقیه برای این که نسبت به اوامر شارع، نهایت تحفظ را داشته باشد و مصالح احکام را از دست ندهد و از مفاسد آن‌ها دوری نماید، چنین احتیاطی را در مقام افتا اعمال می‌کند. این نوع احتیاط را می‌توان «روحیه احتیاط‌گرایی» نامید.

بخش دوم: احتیاط در اندیشه اخباریون

آنچه از عبارات محدث استرآبادی در کتاب «الفوائد المدنیة» به دست می‌آید، این است که او درباره احتیاط وارد بحث تحلیلی نشده است و به صورت گذرا، تنها در چند مورد به آن اشاره کرده است و موارد اختلاف خود با اصولی‌ها و مجتهدان را به تفصیل تبیین ننموده است. به همین دلیل نمی‌توان به همه ابعاد نظر او در مسأله احتیاط، آگاه شد. به طور کلی او در برخی قسمت‌ها احتیاط را از مصادیق توقف دانسته یا آن را به صورت مستقل به کار برده است (استرآبادی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۴۳). مثلاً او از روایات ائمه (ع) استفاده می‌کند که آن‌ها در مسائلی که حکمش را به طور مشخص ندانیم، توقف و در برخی از این موارد احتیاط را واجب نموده‌اند (همان، ص ۲۸۰ و ۲۸۸). به نظر می‌رسد او در این موارد، به معنای اصطلاحی اصولیان از اصل احتیاط، نزدیک شده است. او در همه موارد شک و شبهه و حتی ظن، توقف را لازم و واجب می‌داند و این که باید در فتوا و عمل، احتیاط نمود. او صریحاً در همه شبهات چه وجوبیه (ر.ک: پیشین، ص ۳۳۲) و چه تحریمیه (ر.ک: پیشین، ص ۳۲۵)، وقتی شبهه در اصل تکلیف باشد، به وجوب توقف، حکم می‌کند. البته وجوب احتیاط را تنها در شبهات تحریمیه - و نه وجوبیه - می‌داند (ر.ک: پیشین، ص ۳۴۶). به طور کلی در حسن احتیاط و وجوب توقف در شبهات - چه منشأ شبهه، شک باشد یا ظن؛ و چه شبهه در تکلیف باشد یا در مکلف‌به؛ در بخش‌های مختلف کتاب خود، قلم‌فرسایی می‌کند. البته از ظاهر کلام محدث استرآبادی و محدث بحرانی به دست می‌آید که آن‌ها در شبهات وجوبیه هنگام شک در اصل تکلیف، در جایی که شبهه در دوران میان وجوب و استحباب و جایی که شبهه در دوران میان

و جوب و غیراستحباب و غیرحرمت است،^۱ به تفصیل معتقد بوده‌اند: در صورت اول، احتیاط را واجب می‌دانسته‌اند (استرآبادی، ۱۴۲۶ ق، ص ۳۳۴؛ و بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۶۸)؛ بر خلاف صورت دوم. تعبیر احتیاط در فتوا نیز برای اولین بار به شکل گسترده توسط استرآبادی ذکر گردد: (ر.ک: استرآبادی، ۱۴۲۶ ق، ص ۳۴۵). محدث بحرانی نیز راه استرآبادی را ادامه داده است (ر.ک: پیشین، ص ۴۴ و ۸۲).

بخش سوم: جایگاه وجوب احتیاط در دوره پیش از اخباری‌ها (با تأکید بر آثار علامه حلی)

بند اول: بررسی موارد لزوم احتیاط

استفاده از اصل احتیاط لازم - یعنی در مواردی که اشتغال ذمه یقینی با عناصر دیگر احتیاط وجود دارد - در کتاب‌های مختلف علامه به چشم می‌خورد. در اصل این مسأله، نکته بحث برانگیز و اختلافی‌ای در عبارات علامه یافت نمی‌شود. در این قسمت، تنها درباره برخی مصادیق و مجاری جریان اصل احتیاط و کیفیت امثال آن، که بعدها نیز در عبارات اصولیان و فقها محل اختلاف بوده است، نکاتی از عبارات علامه می‌توان دریافت که به آن‌ها اشاره می‌شود.

- به نظر می‌رسد وی به وجوب موافقت قطعی در اطراف علم اجمالی، معتقد است. مثلاً در «تحریر الأحکام» در بحث طلاق، در این مسأله که مردی دو زن یا بیش‌تر دارد و یکی از آن‌ها را بدون تعیین (واحدۀ غیرمعینۀ) طلاق می‌دهد و قبل از تعیین از دنیا می‌رود، اگر زنان حامله باشند، می‌نویسد: «اعتددن بأبعد الاجلین و سواء أكان الطلاق بائنا أو رجعیا تغلیبا لجانب الإحتیاط» (حلی، ۱۴۲۰ ق، ج ۸، ص ۱۶۵). در این‌جا، علم اجمالی به طلاق یکی از طرفین (اطراف) وجود دارد و اگر صرف مخالفت قطعی حرام بود، نه این‌که موافقت قطعی واجب باشد، عده نگه داشتن یکی از زن‌ها کافی بود.

^۱ البته در حالتی که شبهه در دوران میان وجوب و استحباب و کراهت و جواز باشد، اظهار نظر ننموده‌اند.

- یکی از نکات قابل توجه در عبارات علامه، نفی برخی احتیاطهای فقهای قبلی است. وی در موارد متعدد، در حکمی که فقهای قبلی به دلیل احتیاط در مسأله بیان کرده‌اند، تشکیک می‌کند و معتقد است که آن احتیاط با اصل براءت ذمه، منافات دارد. مثلاً وی در بحث «جلسه استراحت» بیان می‌دارد که سید مرتضی به وجوب آن حکم نموده و یکی از دلایل وی نیز «اصل احتیاط» است؛ اما مشهور به استحباب آن حکم نموده‌اند و قول صحیح نیز قول مشهور است؛ زیرا احتیاط با براءت ذمه، معارض است (حلی، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۳۹ و ۱۷۲، ج ۱، ص ۵۰۴۹۸).

بند دوم: استفاده از احتیاط به عنوان مؤید دلیل

مراجعه به عبارات علامه در کتاب‌های مختلف فقهی او، ما را به این مسأله می‌رساند که او در پاره‌ای موارد، از اصل احتیاط به عنوان یک پشتیبان برای دلیل یا دلایل دیگر بحث، استفاده می‌کند. در حقیقت، نقش احتیاط در این موارد، معاضدت دلیل یا دلایل دیگر است. برای تبیین این مسأله، به نمونه‌ای از کلام وی اشاره می‌شود. در تذکره در بحث مطهرات آمده است که آب ساکن بیش از حد کر با برخورد به نجاست، اگر تغییر نیابد، نجس نمی‌شود. وی در ادامه می‌نویسد: «و قضیه الشرط التنجیس عند عدم البلوغ و لأنه أحوط» (حلی، تذکره الفقهاء، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۸). پس او معتقد است اقتضای این شرط (بلوغ کر) آن است که اگر کمتر از کر باشد، نجس می‌شود. دلیل دیگر او در این باره، احتیاط است. ظاهر کلام علامه نجس شدن حتمی است نه احتمال نجس شدن. حال در این مسأله از طرفی بحث مفهوم شرط، مربوط به مرحله ظهور است و اصل احتیاط به مرحله پس از ظهور مربوط می‌شود. پس مراد علامه این است که اگر مفهوم شرط به هر دلیل، ظهور نداشت، اصل احتیاط، نجس شدن حتمی کمتر از کر را اقتضا می‌کند. از طرف دیگر عناصر احتیاط لازم در این مسأله وجود ندارد؛ زیرا علم وجود دارد که بیش از کر نجس نمی‌شود، اما شک در نجس شدن یا نشدن کمتر از کر،

موجود است (شک در اصل تکلیف). پس مراد علامه در این جا نمی تواند احتیاط لازم باشد. به دو صورت می توان عبارت او را تحلیل نمود:

(الف) این که بگوییم احتیاط به کمک مفهوم شرط آمده تا موانع استظهار برطرف گردد و در حکم قرینه برای مفهوم شرط در این جا باشد.

(ب) این که عکس حالت اول لحاظ شود؛ یعنی هر چند در این جا شک در تکلیف است اما اصل احتیاط حاکم است به دلیل وجود مؤیدی که در مرحله استظهار وجود دارد و آن، احتمال مفهوم شرط در این مسأله است. با توجه به تقدم رتبه مرحله استظهار (مرتبۀ امارات) بر مرحله اصل عملی، احتمال دوم با موازین فقهی سازگارتر می نماید؛ اما ظاهر کلام علامه به ویژه به ضمیمه موارد دیگر در لابه لای عبارات او، احتمال اول را تقویت می کند. مثلاً وی در بحث نماز، این مسأله را طرح می کند که اگر زن در حال نماز شک کند که حائض شده یا خیر، وظیفه اش چیست؟ پس از ذکر روایتی در این مسأله، بیان می کند که در طریق این روایت، ضعف وجود دارد ولی چون موافق احتیاط است، اشکالی ندارد که به مضمون آن عمل شود. در این جا در حقیقت روایت را به دلیل این که مؤیدی دارد (اصل احتیاط)، کنار نگذاشته است. (حلی، منتهی المطلب، ج ۲، ص ۱۰). پس در این قسمت، در حقیقت احتیاط به عنوان مؤید دلیل دیگر در استنباط قرار می گیرد و باعث تقویت آن دلیل می شود. در این صورت حکم مسأله تنها وظیفه عملی مکلف را بیان نمی کند، بلکه کاشفیت از واقع نیز دارد؛ و دلیل مسأله در مرتبه امارات قرار می گیرد، نه اصل عملی. شیخ نیز در «رسائل» در توجیه احتیاطهای موجود در عبارات سید مرتضی و شیخ طوسی به مؤید بودن آنها اشاره نموده است (انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۳۳).

^۱ البته تحلیل دیگری نیز در این باره وجود دارد؛ این که گفته شود در زمان علامه هنوز رابطه امارات و اصول عملیه روشن نبوده است؛ به همین دلیل در کنار یکدیگر یا در مواردی اصول عملی مقدم بر امارات ذکر می شده اند. به نظر می رسد این بیان، نگاه ساده‌ای به این مسأله و بیانگر کم دقتی علمی فقهای پیشین و به دور از انصاف است و پذیرش آن مشکل می نماید. بنابراین با فرض عدم پذیرش چنین نکته‌ای، یکی از دو احتمال بالا قابل تصور خواهد بود.

بخش چهارم: بررسی عنصر وجوب احتیاط در دوره پس از اخباری ها (با تأکید بر آرای صاحب جواهر، شیخ انصاری و صاحب عروه)

پیش از پرداختن به این بحث، ذکر یک نکته لازم به نظر می‌رسد؛ با توجه به این که از میان این سه فقیه تأثیرگذار در فقه پس از افول اخباری ها، صاحب جواهر در عرصه فقه، صاحب تألیفی مفصل تر و مبسوط است، طبیعی خواهد بود که بسیاری از مثال‌ها در این قسمت، از کتاب «جواهر الکلام» ذکر شود.

بند اول: نقاط مشترک دو دوره پیش و پس از اخباری ها

- احتیاط به معنای اصطلاحی، به عنوان امری واجب و لازم بسیار به کار رفته است. تعبیری مانند «الاحتیاط الواجب» (نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۵۲۶ و ج ۲۴، ص ۱۱۶) و «وجوب الاحتیاط» (نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۸۵ و انصاری، کتاب الطهارة، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۱۷) در عبارات فقهای این دوره دیده می‌شود. علاوه بر این، همه کتاب‌های فقهی این فقها و فقهای بعدی، مشحون از تعبیر احتیاط و أحوط است.

- احتیاط به عنوان مؤید نیز در عبارات صاحب جواهر وجود دارد و حتی برخی از عبارات او در این باره صریح تر از عبارات گذشتگان است؛ مثلاً در بحث صلوة عاری، روایت مرسله‌ای نقل می‌کند و در ادامه می‌نویسد: «إذا انضمَّ الاحتیاطُ إلى خیره و شهرة العمل به تعین العمل علی وفقه من غیر حاجةً إلى مراعاة صیورته حجةً بالإنجبار» (نجفی، جواهر الکلام، ج ۸، ص ۲۰۰)؛ پس نظر صاحب جواهر بر این است که احتیاط می‌تواند به جای ضعف سند و برای جبران ضعف آن، به روایت کمک نماید.

بند دوم: نقاط متمایز این دوره با دوره پیش از اخباری ها

نگاه به احتیاط در این دوره، تفاوت‌هایی با دوره پیش از اخباری‌ها دارد. در ادامه به مهم‌ترین تفاوت‌هایی که استقصا شده است، اشاره می‌شود. البته باید توجه داشت که همه این تمایزها اهمیت یکسانی ندارند و تأثیر برخی از آن‌ها بر فقه، کمتر و برخی بیش‌تر است.

۱- روحیه احتیاط‌گرایی در عبارات مختلف «جوهر» به چشم می‌خورد. مثلاً در جایی آمده است: «الحزم عدم ترك الاحتیاط فی كثير مما سمعت من المسائل، لعدم تحریرها فی كلام أحد من العلماء هنا و عدم وضوح أدلتها من الكتاب و السنة فتأمل» (پیشین، ج ۱۶، ص ۱۴۵). بر اساس این عبارت، هر جا که فقیه در دلیل مسأله، به آیه و روایتی نرسد و مسأله سابقه‌ای در کلام فقهای پیشین نداشته باشد، باید احتیاط کند. در حالی که پیش از دوره اخباری‌ها، علامه یا فقهای دیگر مسائل جدید طرح می‌کردند و در آن‌ها فتوای احتیاط داده نمی‌شد.

۲- صاحب جوهر تعابیری در مدح احتیاط ذکر نموده است که سابقه‌ای در فقهای پیش از اخباری‌ها ندارد. مثلاً تعبیر «الاحتیاط الذی هو ساحل بحر الهلكة لا ینبغی تركه» با اندک تفاوت‌هایی، در موارد متعددی در «جوهر» بیان شده است. شبیه این تعبیر را شهید ثانی، تنها در یک مورد، در اجازه‌اش به شیخ محمد بن محمد لاهیجانی گیلانی آورده است (عاملی، رسائل الشهد الثانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۴۷). محدث بحرانی از تعابیری نظیر آنچه بیان شد در «حدائق» بسیار استفاده کرده است. این تعابیر بعد از «جوهر» نیز در کتاب‌های فقهی دیده می‌شود. ذکر این نکته در این قسمت، لازم می‌نماید که آنچه صاحب جوهر بیان نموده، فی نفسه و به خودی خود کلام صحیحی است؛ یعنی احتیاط، راه نجات از هلاکات است، اما استفاده از احتیاط در سطح وسیع و ذکر این عبارات به صورت متعدد در «جوهر»، روحیه

^۱ ر. ک: جوهر الکلام، ج ۸، ص ۴۸؛ ج ۱۲، ص ۶۵ و ۳۲۸؛ ج ۱۳، ص ۱۶۴؛ ج ۱۴، ص ۲۲۸؛ ج ۱۶، ص ۱۳۱؛ ج ۱۷، ص ۱۳۹ و ۱۸۴؛ ج ۱۸، ص ۲۳۲؛ ج ۱۹، ص ۴۴۳؛ ج ۲۲، ص ۲۴۰؛ و ج ۲۴، ص ۲۰۷. عبارت «مهما أمکن الاحتیاط کان اولی» نیز در «جوهر» بیان شده است (همان، ج ۳، ص ۲۷۶).

^۲ یکی از تعابیر او چنین است: «فالأرجح الوقوف علی ساحل الاحتیاط» (بحرانی الحدائق الناضرة، ج ۱، ص ۱۱۷-۱۱۰ و ۵۲۲؛ ج ۲، ص ۱۸۴؛ ج ۳، ص ۲۸ و ۸۷؛ ج ۷، ص ۱۷۱؛ ج ۱۱، ص ۱۳۳؛ و ج ۱۵، ص ۲۲۰ و ۲۶۰ و ۲۷۷).

احتیاط‌گرایی بالای او را نشان می‌دهد و با توجه به نزدیکی زمان حیات صاحب جواهر با دوره اخباری‌ها، احتمال زیادی دارد که به دلیل هیمنه و تسلط سنگین اخباری‌ها بر فضای فقه و فقهات شیعه در طی بیش از دو قرن، این نوع نگاه و این همه تأکید که پیش از آن‌ها دیده نشده، کاملاً متأثر از آن‌ها باشد.

بخش پنجم: ادله اخباریون بر وجوب احتیاط

اخباریون به سه دلیل تمسک کرده‌اند بر وجوب احتیاط در شبهه تحریمیه، کتاب، سنت و عقل.

دلیل اول: آیات

به دو طائفه و گروه از آیات تمسک کرده‌اند: ۱. آیات ناهیه از قول به غیر علم. ۲. آیات دال بر لزوم احتیاط

– طائفه اول: آیات ناهیه از قول به غیر علم

می‌فرمایند آیات متعددی در قرآن به صراحت یا اشاره می‌گوید "لَا تَتَّبِعُوا مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ" (اسراء: ۳۶) یعنی تا چیزی را علم نداری نگو، در شبهات تحریمیه هم ما حکم مورد مشکوک و مشتبّه مانند شرب تنن را نمی‌دانیم پس اگر مانند اصولیان حکم کنیم به براءت و عدم تکلیف شارع این إفتراء و دروغ بستن به شارع است زیرا ندانسته به شارع نسبت داده‌ایم که حکم شارع إباحه و براءت است (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۷ق، ص ۲۳۶).

اشکال: اگر سخن بدون جایز نیست لذا قول اصولیان مبنی بر إباحه و براءت قول بلا علم و باطل است، خب سخن شما هم قول بلا علم است که حکم می‌کنید به وجوب احتیاط.

جواب: اخباریون پاسخ می‌دهند که ما هیچ نسبتی به شارع نداده‌ایم زیرا ما به مکلف می‌گوییم انجام مشکوک الحرمه مثل شرب تنن را ترک کن تا مخالف با حکم الله رفتار نکنی،

پس ما نگفتیم شرب تنن حرام است بلکه گفتیم این کار را انجام نده لکن اصولیان می گویند شرب تنن از نظر شرعی و شارع مجاز و حلال می باشد (بهشتی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۵۱).

- طائفه دوم: آیات دال بر لزوم احتیاط

أخباریان می گویند آیات متعددی از قرآن دلالت می کنند بر وجوب احتیاط از جمله:

- "اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ" (آل عمران: ۱۰۲)

- "جاهدوا في الله حَقَّ جِهَادِهِ" (حج: ۷۸).

این آیات دلالت می کنند که رعایت تقوا در بالاترین حدش که احتیاط است واجب می باشد. مرحوم شهید اول هم در کتاب ذکری در مبحث قضاء نمازهایی که صحیح انجام داده لکن در سالهای بعد شک می کند، فرموده اند اشکالی ندارد که احتیاط کند و دوباره آن نمازها را (مثلاً نمازهایی که ابتدای بلوغ خوانده و همان موقع هم تلاشش در رعایت احکام نماز بوده) بخواند و تشریح نیست. پس مرحوم شهید اول هم از این آیات مشروعیت احتیاط را برداشت کرده اند (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ص ۳۵۱).

همچنین آیاتی مانند:

- "فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ" (تغابن: ۱۶).

- "لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ" (بقره: ۱۹۵)

مستدل می گوید طبق آیه شریفه إلقاء در هلاکت حرام است و ارتکاب شبهه و مورد مشکوک هم إلقاء و انداختن نفس است در هلاکت پس جایز نیست و احتیاط واجب است (شهید ثانی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۶۹).

دلیل دوم: روایات

عالمان اخباری به دو طائفه از روایات تمسک کرده‌اند (نجفی، جواهرالکلام، ج ۱۰، ص ۱۷۶):

طائفه اول: روایات دال بر حرمت قول و عمل بلاعلم

مرحوم شیخ انصاری نمونه‌ای از این روایات نمی‌آورند لذا به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

نمونه اول: عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ قَالَ أَنْ يَقُولُوا مَا يَعْلَمُونَ وَيَقِفُوا عِنْدَ مَا لَا يَعْلَمُونَ؛ زراره می‌گوید از امام باقر علیه السلام سؤال کردم حق خداوند بر بندگان چیست؟ فرمودند اینکه گفتار بندگان (و نسبت امر و حکمی به خدا) بر اساس علم باشد و هر جا علم آگاهی نداشتند توقف کنند (و چیزی را به خدا و دین نسبت ندهند) (انصاری، المکاسب، ۱۴۱۵ق، ص ۶۹۸).

نمونه دوم: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْفُضَاءُ أَرْبَعَةٌ ثَلَاثَةٌ فِي النَّارِ وَوَاحِدٌ فِي الْجَنَّةِ رَجُلٌ قَضَى بِجَوْرٍ وَهُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ وَ رَجُلٌ قَضَى بِالْحَقِّ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ وَ رَجُلٌ قَضَى بِالْحَقِّ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ وَ رَجُلٌ قَضَى بِالْحَقِّ وَهُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحُكْمُ حُكْمَانِ حُكْمُ اللَّهِ وَ حُكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ فَمَنْ أَخْطَأَ حُكْمَ اللَّهِ حَكَمَ بِحُكْمِ الْجَاهِلِيَّةِ؛ امام صادق علیه السلام فرمودند قاضی‌ها چهار دسته‌اند، سه دسته از آنان در آتش و فقط یک دسته از آنان در بهشت خواهند بود، اما آنان که در آتش‌اند عبارت‌اند از: یکم: فردی که قضاوت ظالمانه کند و حال آن که می‌داند قضاوت و گفتارش ظلم و جور است، پس او در آتش خواهد بود، دوم: فردی که قضاوتش ظالمانه، ناحق و ناصواب باشد اما نمی‌داند که اشتباه قضاوت کرده، او هم در آتش است، سوم: فردی که به حق و صواب قضاوت کرده اما از روی نا آگاهی و عدم علم، او هم در آتش خواهد بود، چهارم: فردی که آگاهانه بر اساس حق و صواب قضاوت کند در بهشت است. حضرت فرمودند حکم کردن دو قسم است: یا بر اساس حکم الله است یا حکم جاهلیت و شیطانی است، اگر کسی در طریق حکم الله نبود پس در طریق حکم شیطانی و جاهلی است (اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۴۴). پس روایات طائفه اول می‌گویند هر کسی که بدون علم و آگاهی حکمی را به خدا نسبت دهد (قول بلا علم) در

آتش خواهد بود، لذا اصولیان که در مورد شبهه حکمیه تحریمیه که حکم الله را نمی‌دانند، حکم به اباحه و حلیت می‌کنند و این هم قول بلا علم است و باطل. لذا در موارد شبهه تحریمیه باید بدون نسبت دادن حکمی به خدا معتقد شویم به وجوب احتیاط زیرا طبق حدیث دوم حتی اگر قول اباحه مطابق با واقع هم باشد باز هم چون قول بلا علم است، باطل و نادرست خواهد بود.

طائفه دوم: روایات دال بر وجوب توقف

عالمان اخباری می‌فرمایند روایات بسیار زیادی داریم که می‌گویند هر جا حکم الله بر شما مشتبه و مشکوک بود واجب است توقف کنید و هیچ حکمی را به خدا نسبت ندهید (خویی، ۱۴۱۸ق، ص ۶۵۴). مدعای اصولیان بر خلاف مقتضای این روایات است زیرا آنان در مورد شبهه حکمیه تحریمیه که شک در حکم الله دارند حکم به براءت کرده و اباحه را حکم الله می‌دانند لکن اخباریان بر اساس این روایات عمل نموده، توقف و احتیاط می‌کنند و هیچ حکمی را به دین و خدا نسبت نمی‌دهند (خویی، ۱۴۱۸ق، ص ۶۵۱). البته کیفیت بیان این محتوا در این روایات متفاوت است بعضی این روایات به دلالت مطابقی تصریح به این معنا و وجوب توقف دارد بعضی هم به دلالت التزامی چنین محتوایی دارند که در هر صورت وجوب احتیاط در موارد شبهات را ثابت می‌کنند. مرحوم شیخ انصاری به جهت اهمیت و محوریت این روایات در استدلال اخباریان، روایت ذیل را نقل و بررسی می‌کنند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۶۹۴):

روایت دوم: صحیحه جمیل بن درّاج

در بعض منابع متن روایت همین متنی است که در کتاب آمده لکن در روایت دیگری (که صاحب وسائل هر دو را آورده‌اند) امام صادق علیه السلام ابتدا می‌فرمایند الوقوف عند الشبهة خیر من الإقتحام فی الهلکة سپس ادامه می‌دهند به درستی که پشتوانه هر امر حقی، حقیقتی و پشتوانه هر امر صحیحی، نوری است، پس آنچه موافق کتاب خدا است را بگیری و آنچه

مخالف کتاب خدا است را رها کنید (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۶۷۴). پس طبق این کلام نورانی حضرت امر شبهه‌ناک و مشتبه هیچ حقیقت و نوری پشتوانه‌اش نیست و مرتکب شدن امر مشکوک حرکت در مسیر ظلمت و هلاکت است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی احتیاط به معنای اصل عملی، نشان می‌دهد که در دو دوره مورد بحث، در استفاده از این اصل، تفاوت چشمگیری وجود ندارد و فقیهان چه پیش از اخباری‌ها و چه پس از آن‌ها از این اصل بهره برده‌اند. البته با تنقیح ابعاد و ویژگی‌های اصول عملیه - توسط اصولی‌های متأخر مانند وحید بهبهانی و شیخ انصاری - در دانش اصول، تا حدودی کاربرد این اصل در فقه شفاف‌تر شده است. با توجه به آنچه در قسمت‌های قبلی بیان شد، می‌توان تمایز اصلی این دو دوره را در بحث احتیاط، در روحیه احتیاط‌گرایی دانست؛ در دوره پیش از اخباری‌گری این روحیه بسیار کم‌رنگ است، در حالی که پس از افول اندیشه اخباری این روحیه تقویت می‌شود و انعکاس آن به صورت کاملاً روشن در کتاب‌های فقهی نمایان می‌گردد. مقایسه دو دوره فقهی محل بحث نشان می‌دهد که در کتاب‌های استدلالی هر دو دوره، احتیاط و توقف در فتوا وجود دارد؛ هرچند این مسأله پس از اخباری‌ها بیش‌تر دیده می‌شود. در مقابل این امر در کتاب‌های نیمه استدلالی و فتوایی پیش از اخباری‌ها، احتیاط‌گرایی در فتوا به ندرت و به صورت انگشت شمار دیده می‌شود، در حالی که پس از آنان این مسأله در لابه‌لای کتاب‌های فتوایی به وفور یافت می‌شود. البته باید توجه داشت که بخشی از این احتیاطها به دلیل تفاوت‌های شرایط زمانی این دو دوره است. با وجود اندیشه اخباری در میان دو دوره فقهی محل بحث، می‌توان ادعا نمود که این اندیشه، زمینه تقویت روحیه احتیاط‌گرایی در فتوا را فراهم نموده است. توجه به چند نکته می‌تواند به تقویت این ادعا کمک کند:

الف) گسترش جریان اصل احتیاط به شبهات بدویه تحریمیه و توقف در برخی شبهات بدویه وجوبیه توسط اخباری‌ها تبیین شد و بزرگان اخباری، استدلال‌های مختلفی نیز بر این امر اقامه

نمودند. این ادعا و استدلال‌های آن را بعدها وحید بهبهانی و به صورت گسترده‌تر شیخ انصاری نقد و رد کردند؛ اما به هر حال، طبیعی بود که ذهن فقیهان را نسبت به بحث احتیاط حساس‌تر از گذشته نماید و باعث شود با سخت‌گیری بیش‌تری از بحث احتیاط عبور کنند.

ب) در تاریخ تحولات فقه، فقها در مقاطعی نسبت به دسته‌ای از روایات در یک بحث توجه ویژه‌ای داشته‌اند و به آن عمل کرده‌اند؛ و در مقابل، دسته دیگری از روایات مرتبط با همان مسأله کمتر محل توجه فقیهان قرار می‌گرفته‌است؛ یا در برهه‌ای از زمان، فهم مشهور فقها نسبت به دسته‌ای از روایات با فهم فقیهان در زمان دیگر، متفاوت بوده است. مثال مشهور این مسأله، روایات مربوط به «منزوحات بئر» است که فقهای پیش از علامه حلی به آن‌ها عمل و از آن‌ها وجوب را برداشت می‌کردند؛ اما پس از وی دسته دیگری از روایات، مبنای عمل فقیهان قرار گرفت و روایات مربوط به منزوحات، بر استحباب حمل شد. روایات بحث احتیاط و توقف را نیز می‌توان از مصادیق این نکته دانست؛ زیرا تا پیش از اخباری‌ها، در متون فقهی و اصولی کمتر اثری از آن‌ها دیده می‌شود؛ اما این روایات را استرآبادی به صورت گسترده ذکر کرد و اخباری‌های پس از وی نیز با توجه ویژه به این روایات، باعث ورود گسترده آن‌ها به مباحث فقهی و اصولی شدند. توجه اخباری‌ها به این دسته از روایات، می‌تواند یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری روحیه احتیاط‌گرایی پس از آن‌ها باشد.

ج) در لابه‌لای کتاب‌های اخباریان، توصیه به احتیاط در فتوا و پرهیز از فتوادادن به صورت گسترده به چشم می‌خورد. بزرگان اخباری مانند محقق بحرانی و علامه مجلسی و شیخ حر عاملی خود فقهای متبحر و نزد فقها از جایگاهی ویژه برخوردار بوده‌اند؛ به همین دلیل فقهای بعدی از آرا و نظرات فقهی آنان بهره‌مند گشته‌اند. با توجه به این نکته، تأثیرگذاری اخباری‌ها

^۱ استرآبادی: الفوائد المدنیة، ص ۳۷۱۳۱۲؛ بحرانی: الحدائق الناضرة، ج ۱، ص ۴۴ و ۱۳۱، ج ۵، ص ۳۴۳؛ همو: شرح الرسالة الصلابة، ص ۸، همو: الأنوار الحیریه، ص ۱۳۰؛ مجلسی، محمد باقر: بحار الأنوار، ج ۱۰۶، ص ۹۳ و ج ۱۰۷، ص ۷۷؛ همو: ملاذ الأخیار، ج ۸، ص ۵۲۶؛ همو: مرآة العقول، ج ۱۳، ص ۱۶؛ عاملی، شیخ حر: وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۵۴؛ همو: الفصول المهمة، ج ۱، ص ۵۱۹ و ۵۸۳؛ و همو: الفوائد الطوسیة، ص ۴۷۵-۴۱۳-۲۱۸.

بر فقهای پس از خود، به خصوص در آن دسته از مبانی که در اندیشه اخباری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، دور از ذهن نیست. به نظر می‌رسد روحیه احتیاط‌گرایی دست کم در سه حوزه مسائل مستحدثه، مسائل حکومتی و مسائل اجتماعی دچار ابهام است و در بسیاری از موارد مذکور، به عسر و حرج منجر می‌شود.



منابع و مآخذ

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن اثیر، مجدالدین جزری: النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، تابستان ۱۳۶۷ش.
۲. ابن فارس، احمد رازی: معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم: کفایة الأصول، قم، مؤسسه آل البیت(ع)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۴. آخوند خراسانی، محمد کاظم: درر الفوائد فی الحاشیة علی الفرائد، تهران، مؤسسه الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۵. اراکی، محمد علی: أصول الفقه، قم، مؤسسه در راه حق، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۶. استادی، رضا: برخی از مبانی احتیاطات در کتاب های فقهی، مجله کیهان اندیشه، ۱۳۷۰، ش ۳۷.
۷. استرآبادی، محمد امین: الفوائد المدنیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.
۸. اصفهانی، محمد تقی: هداية المسترشدين، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۹ق.
۹. اصفهانی، محمد حسین: الفصول الغرویة فی الأصول الفقهیة، قم، دار إحياء العلوم الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۰. آملی، میرزا هاشم: الإجتهد و التقليد، مقرر ضیاء الدین نجفی، قم، نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.

۱۱. انصاری، شیخ مرتضی: المکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۲. انصاری، شیخ مرتضی: فرائد الأصول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق.
۱۳. انصاری، شیخ مرتضی: رسائل فقهیه، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۴. بجنوردی، حسن: القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۱۵. بحرانی، یوسف: الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۱۶. بحرانی، یوسف: شرح الرسالة الصلّاتیة، بوشهر، ناشر محمدبن شیخ عبدالمجید، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۱۷. بحرانی، یوسف: الأنوار الحیریة و الأقمار البدریة الأحمدیة، بی جا، شبکه جهانی آل عصفور، بی تا.
۱۸. بهشتی، ابراهیم: اخباری گری، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
۱۹. جناتی، محمد ابراهیم: ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران، کیهان، ۱۳۷۴ش.
۲۰. جوهری، اسماعیل بن حماد: الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۲۱. حائری یزدی، عبدالکریم: دررالفوائد، قم، چاپخانه مهر، بی تا.
۲۲. حسینی، سید احمد: مقاله احتیاط یا راه سوم، مجله فقه، ۱۳۸۰، ش ۲۹ و ۳۰.

٢٣. حسینی شیرازی، سید صادق: بیان الفقه فی شرح العروة الوثقی، قم، دار الأنصار، چاپ دوم، ١٤٢٦ق.
٢٤. حکیم، محمد سعید طباطبایی: المحکم فی أصول الفقه، قم، مؤسسه المنار، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٢٥. حلی، علامه حسن بن یوسف: إرشاد الأذهان، تحقیق فارس حسون، قم، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٢٦. حلی، علامه حسن بن یوسف: تحرير الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیه، قم، مؤسسه امام صادق(ع)، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
٢٧. حلی، علامه حسن بن یوسف: تذكرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت(ع)، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٢٨. حلی، علامه حسن بن یوسف: قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ١٤١٣ق.
٢٩. حلی، علامه حسن بن یوسف: مختلف الشیعه فی أحكام الشریعة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ١٤١٣ق.
٣٠. حلی، علامه حسن بن یوسف: منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة، چاپ اول، ١٤١٢ق.
٣١. حلی، محقق نجم الدین: شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ١٤٠٨ق.
٣٢. حلی، محقق نجم الدین: المعتمر، قم، مؤسسه سید الشهداء(ع)، چاپ اول، ١٤٠٧ق.

۳۳. خمینی، سید روح لله: توضیح المسائل محشی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ق.

۳۴. خمینی، سید مصطفی: تحریرات فی الأصول، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

۳۵. خویی، سید ابوالقاسم: التنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم، بی نا، ۱۴۱۸ق.

۳۶. خویی، سید ابوالقاسم: مصباح الأصول، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

۳۷. سبحانی، جعفر: أدوار الفقه الإمامی، قم، مؤسسه امام صادق(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.

۳۸. شاهرودی، سید محمود؛ و دیگران: فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.

۳۹. صدر، سید رضا: الإجتهد و التقليد، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.